

سقوط آزاد «ریال»



در چند سال اخیر و به‌ویژه سال گذشته، بازار ارز با نوسانات و تکان‌های زیادی همراه بوده و مسائل و مشکلاتی مانند چندنرخ بودن، چندبازاری بودن، افزایش چندبرابری نرخ و مواردی از این دست را تجربه کرده است.

از دیدگاه اقتصاددانان، نرخ برابری پول کشورها معمولاً براساس روندهای بلندمدت و بنیادی در اقتصاد تعیین می‌شود. به‌عنوان مثال، کاهش نرخ رشد اقتصادی، افزایش تورم، کسری بودجه دولت، در پیش گرفتن سیاست‌های انبساطی و در نتیجه افزایش عرضه پول داخلی و مواردی از این دست منجر به کاهش ارزش پول ملی یک کشور در مقابل سایر پول‌ها خواهد شد. در واقع آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، نه افزایش نرخ ارز که کاهش ارزش پول ملی است؛ بنابراین نوسانات نرخ ارز چیزی جز نوسانات نرخ پول ملی نیست. در این بین، فعالان اقتصادی و مدیران کسب‌وکارها فارغ از ابعاد اقتصادی، برای ماندگاری راهی جز «حفظ ارزش دارایی» ندارند، سیاستی که اجرای آن از وظایف دولت‌هاست.

دلایل کلیدی کاهش ارزش ریال

باشد. از دیگر راهکارهای افزایش ارزش پول ملی، حمایت همه‌جانبه بانک‌های کشور از بخش تولید و اختصاص منابعی برای رفع مشکلات مالی تولیدکنندگان است. باید توجه داشت که نمی‌توان در کوتاهمدت توان تولیدی یک کشور را افزایش داد. روند رشد تولید وابسته به استراتژی و توسعه صنعتی در کشور است؛ بنابراین اگر وضعیت به‌رودری عوامل تولید را بهبود ببخشیم، کاهش هزینه‌های تولید یکی از دستاوردهای آن است و کاهش هزینه‌های تولید منجر به کنترل تورم می‌شود. بهبود روابط بین‌الملل نیز از عواملی است که موجب افزایش ارزش پول ملی در کشور خواهد شد که البته این مورد جزو برنامه‌های بلندمدت دولت‌هاست.

در کنترل جریان تورمی کشور موثر باشد. درباره سیاست‌های کنترل ارزش پول ملی باید گفت هر عاملی که در جریان تورمی موثر است، جریان تورمی را کنترل و ثبات اقتصادی در ارتباط با قیمت‌ها ایجاد می‌کند، می‌تواند ارزش پول ملی ما را تقویت کند.

■ راهکار افزایش ارزش پول ملی

حذف موانع پیش‌روی سرمایه‌گذاری در کشور می‌تواند تاثیر بسزایی در افزایش ارزش پول ملی ایفا کند. این هدف با حمایت‌ها و ایجاد طرح‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی محقق می‌شود. این طرح‌ها باید به‌گونه‌ای باشند که امنیت سرمایه و سرمایه‌گذاران تضمین شده

بیش از ۵۰ سال است اقتصاد ایران ساختارهای تورمی دارد و نخستین مسئله در حفظ و تقویت ارزش پول ملی، مهار تورم است که نیازمند اصلاح ساختاری در حوزه‌های بانکی، بودجه‌ای و تجاری است. دولت برای حفظ و تقویت ارزش پول ملی باید برنامه مشخص و مبتنی بر علم اقتصاد ارائه دهد و مسائل را اولویت‌بندی کند. البته در تیم اقتصادی دولت نیز باید هماهنگی‌های لازم برقرار شود. اگر به‌دنبال حفظ و تقویت ارزش پول ملی هستیم، باید تورم را مهار کنیم و فاصله تورم ایران با شرکای تجاری را کاهش دهیم. البته اینکه تورم چگونه کنترل شود، خود موضوع مهمی است. اگر دولت بتواند سیاست‌هایی پیاده کند که هزینه‌های تولید کنترل و البته بهینه شود، می‌تواند

پیشینه تاریخی شکست ارزش ریال

آیزاک سعیدیان، اقتصاددان: از سال ۱۹۶۰ کشور ایران سعی کرد تحولی بنیادین در امور اقتصادی کشور ایجاد کند و به تبع آن، نرخ تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی ایران در ۱۰ سال رشد بسیار خیره‌کننده‌ای را ثبت کرد. در آن زمان نرخ سود بانکی متناسب با تورم تک‌رقمی کشور از سوی دولت اعلام شده بود، اما به‌تدریج از سال ۱۹۷۰ ایران تصمیم گرفت بودجه کل کشور را بزرگ‌تر کند و به همین منظور تلاش کرد هم‌زمان با اوج‌گیری نرخ نفت در جهان درآمدهای دلاری-فتی را وارد اقتصاد کشور کند.

از اوایل سال ۱۹۶۸ درآمد نفتی ایران به‌طور چشمگیری افزایش یافت، به‌طوری‌که ایران قبل از تاریخ فوق روزانه ۶۳۸ هزار بشکه نفت به فروش می‌رساند که این رقم پس از سال ۱۹۶۸ به روزانه ۶ میلیون بشکه رسید. به بیان ساده‌تر، درآمد ایران از محل فروش نفت به یکباره ۲۰ برابر افزایش یافت و با ورود پول نفت به اقتصاد ایران شاهد آن بودیم که حجم نقدینگی در ایران رو به افزایش گذاشت، اما متناسب با افزایش نقدینگی تورم در حال افزایش بود. در زمان مذکور با توجه به رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی مناسب دهه پیش، اقتصاد ایران توانست از خطر تورم و کاهش ارزش پول ملی در امان بماند.

پس از انقلاب و شروع جنگ ایران و عراق و همچنین خروج سرمایه

از کشور و خارج‌شدن بسیاری از صنایع و کارخانه‌ها از دست بخش خصوصی، تولید ناخالص داخلی ایران دچار معضلات زیادی شد. از آن پس، دولت‌ها یکی پس از دیگری سعی بر آن داشتند تا بودجه‌های خود را در نبود تولید ناخالص داخلی مناسب، براساس درآمدهای سرشار پایه‌گذاری کنند. همین امر موجب می‌شد حجم نقدینگی و پایه پولی افزایش پیدا کند و در طرف دیگر، تورم

افزایش یابد.

حجم نقدینگی فاقد پشتوانه تولید ناخالص داخلی ایران در سال‌های گذشته به‌صورت چشمگیری افزایش یافت و مجدداً با خروج آمریکا از برجام، ارزش ریال مجدداً سقوط کرد. در دولت ابراهیم رئیسی نیز بسیار سعی شد تا ارزش ریال در یک دامنه ثابت حفظ شود که این تلاش بدون توجه به ناکرهای اقتصادی بود و با تنش‌های منطقه‌ای که به نوعی ریسک سیستماتیک محسوب می‌شد، مجدداً ارزش ریال ایران سقوط کرد. با توجه به رکود اقتصادی، تورم تولید کالا و اخذ مالیات سنگین بر مشاغل و تولیدکنندگان، پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۳ شاهد خروج سرمایه‌ها از ایران باشیم.

سخن پایانی

درباره میزان و چگونگی اثرگذاری نوسانات نرخ ارز و به‌ویژه افزایش آن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برای مثال، اقتصاددانان سنتی معتقدند کاهش ارزش پول اثر انبساطی بر اقتصاد خواهد داشت و در مقابل، ساختارگرایان به اثرات انقباضی کاهش ارزش پول ملی بر اقتصاد باور دارند. این پدیده اثرات قابل‌توجهی بر اقتصاد همه کشورها و از جمله کشورهای

قدرت دلاری نقدینگی ایران

وزیر اقتصاد درباره «قدرت دلاری نقدینگی» به خبرآنلاین گفت: در جدول زیر، قدرت دلاری نقدینگی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا فصل سوم ۱۴۰۳ به‌تصویر کشیده شده است.

یک کارشناس اقتصاد کلان می‌گوید: برای افزایش «قدرت دلاری نقدینگی» در کشور چاره‌ای نیست، جز اینکه نرخ دلار کنترل شود. وحید شقاقی‌شهری، کارشناس اقتصاد کلان در رابطه با اظهارات اخیر

را به افزایش نقدینگی برای افزایش قدرت دلاری آن سوق دهد. اما از آنجایی که اقدام مزبور به افزایش نرخ تورم و متعاقب آن کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود، کشور را در یک سیکل باطل قرار می‌دهد.

همان‌طور که از این آمار مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۹۵ قدرت دلاری نقدینگی بیشترین میزان بوده که ۳۴۴میلیارد دلار بوده است، اما در سال‌های اخیر این شاخص به حداقل میزان خود رسیده، به‌طوری‌که از سال ۱۴۰۲ حدود ۱۵۰میلیارد دلار شده است.

این عضو هیات‌علمی دانشگاه خوارزمی افزود: هر قدر توان دلاری نقدینگی کاهش یابد، قفل‌شدگی اقتصاد افزایش می‌یابد. صنایع وابسته به واردات مواد اولیه، تکنولوژی و کالاهای واسطه‌ای هستند و وقتی قدرت دلاری نقدینگی پایین می‌آید، فشار سنگینی بر بنگاه‌های تولیدی در تامین نیازهای خود از خارج ایجاد می‌شود و به تشدید رکود و فرسودگی اقتصاد ایران دامن می‌زند.

به گفته این کارشناس، شاخص مذکور از نسبت حجم نقدینگی به متوسط نرخ دلار حاصل می‌شود. شقاقی تصریح کرد: به این ترتیب باوجود اینکه حجم نقدینگی با رشدی بیش از ۳۰، ۳۵ درصد در سال‌های اخیر افزایش یافته چون اقتصاد توانسته افزایش نرخ دلار را مهار کند و رشد نرخ دلار از رشد نقدینگی بیشتر بوده؛ در نهایت قدرت دلاری نقدینگی، روندی کاهنده داشته است.

وی راه‌حل اصلی را کنترل نرخ دلار دانست، چراکه اگر نرخ دلار بالا برود، هر اقدامی انجام بگیرد ولو افزایش نقدینگی، باز هم به جبران کاهش قدرت دلاری نقدینگی نمی‌انجامد.

عضو هیات‌علمی دانشگاه خوارزمی تاکید کرد: مهم‌ترین چالش، کنترل نرخ دلار و جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی است. رفع این اشکال نیازمند مدیریت سختگیرانه ریال در اقتصاد، کاهش قاچاق، کاهش کسری‌های تجاری و کاهش

سیاست «لنگر ارزی» جواب نداد

پذیرفته فتر تورم فشرده شود و حتما باید برای این مسئله هم چاره‌جویی کند. این مهم را باید پذیرفت که شوک‌های ناشی از سیاست تثبیتی (در شرایطی که تورم عمومی در اقتصاد ملی کنترل نشده) ثبات

پایداری به‌وجود نخواهد آورد و هر بحرانی که هیجان اجتماعی را تشدید کند، به‌سرعت می‌تواند تمام رشته‌های سیاست‌گذاران را پنبه کند. به‌نظر می‌رسد متصدیان بانک مرکزی انتظار داشتند با اجرای سیاست تثبیتی در زمینه نرخ دلار و همچنین اجرای سیاست‌های انقباضی پولی، هم نرخ دلار را کنترل کنند و هم با کنترل میزان نقدینگی شرایط کاهش چشمگیری نرخ تورم را فراهم آورند. این امر مانند آن است که سیاست‌گذار پولی کشورمان با لنگر قرار دادن نرخ ارز، بخواهد مانعی جدی در مقابل تورم فزاینده ایجاد کند. این اقدام البته برای مدتی موثر بود، اما در نهایت تورم ۱۴۰۲ همچنان بیش‌تر از ۴۰ درصد باقی ماند تا برای نخستین‌بار ۳ سال پی‌درپی کشور دچار تورم بیش از ۴۰ درصد باشد. به هر حال، تورم در ایران یک مسئله پولی هم هست و تجربه جهانی نشان می‌دهد کنترل تورم زمانی امکان‌پذیر است که بی‌انضباطی‌های گوناگون، از جمله بی‌انضباطی‌های پولی و مالی که به‌شکل کسری بودجه بروز پیدا می‌کند، از بین بروند و نظم اقتصادی جایگزین شود. بانک مرکزی زمانی می‌تواند با اجرای سیاست‌های انقباضی یا تثبیتی به موفقیت‌های بیشتری دست یابد که هم‌زمان در بخش مالی دولت هم انضباط حاکم شود؛ به‌زبان ساده‌تر، اگر بی‌انضباطی‌های دولت در بخش‌های مالی و بودجه‌ای رفع نشوند، توسط بانک مرکزی و تلاش این نهاد برای کنترل نرخ تورم از طریق سیاست‌گذاری‌های نمی‌توانیم ثبات را به‌شکلی ملموس و محسوس در اقتصاد مشاهده کنیم.

باین‌همه دست‌کم درباره نوسان نرخ ارز و تاثیر بر بازارهای موزی و ادامه حیات کسب‌وکارها، عامل اصلی و تعیین‌کننده تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.

حساب سرمایه است. متأسفانه در اقتصاد ایران که درگیر تحریم‌های سخت و پیچیده و مدت‌دار است، حکمرانی ریال جدی گرفته نمی‌شود و همچنان شاهد گردش ریال بدون شفافیت و ثبت اسناد مثبت هستیم. مشاور دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطرنشان ساخت: از طرف دیگر، کسری‌های تجاری غیرنفتی به‌دلیل سیاست‌های غلط صادراتی و وارداتی تشدید شده است و سال گذشته بیش از ۱۷میلیارد دلار کسری تجاری غیرنفتی داشتیم که فشار سنگینی بر ناترازی ارزی و نرخ ارز وارد می‌کند. علاوه بر این، خروج سرمایه و تشدید کسری‌های حساب سرمایه نیز به‌دلیل ناطلمانی‌ها، ضعف نظارت‌ها و سیاست‌های غلط اقتصادی تشدید شده است که بر نرخ دلار و افزایش آن فشار وارد می‌آورد.

شفاقی گفت: بنابراین مجموعه عللی به تشدید ناترازی‌های ارزی و افزایش نرخ دلار فشار وارد می‌سازد و موجب رشد شدید نرخ دلار می‌شود که زمینه کاهش قدرت دلاری نقدینگی را فراهم می‌کند. با کاهش قدرت دلاری نقدینگی، قفل‌شدگی اقتصاد تشدید می‌شود.

وی راه‌حلی را که هم‌زمان با تامین مالی غیرتورمی تولید به چالش تضعیف قدرت دلاری نقدینگی هم بینجامد، این‌طور توضیح داد: بهترین سیاست اصلاح الگوی یارانه‌های انرژی و آزادسازی منابع هدررفت این حوزه است که می‌تواند منابع لازم را برای اصلاحات اقتصادی و ساختاری در اختیار دولت قرار دهد تا بتواند ضمن مهار ناترازی بودجه‌ای، به اصلاح دیگر ناترازی‌های اقتصاد کلان بپردازد و جلوی تشدید فرسودگی اقتصاد را بگیرد.